تذکر مجلس به دولت درباره سیاست جدید بنزینی

نایب‌رییس مجلس شورای اسلامی از نامه و تذکر تعدادی از نمایندگان به دولت درباره سیاست جدید بنزین و ایجاد محدودیت‌ها خبر داد. حمیدرضا حاجی‌بابایی در گفت‌وگو با ایسنا، در واکنش به حذف کارت آزاد در جایگاه‌ها و ایجاد محدودیت در سهمیه بنزین در برخی مناطق کشور، گفت: اصل سیاستگذاری بنزین باید اصلاح شود؛ یعنی سوخت‌گیری از طریق کارت باشد تا ضمن مدیریت مصرف و ساماندهی توزیع سوخت، مردم برای بنزین‌زدن با مشکل مواجه نشوند. وی ادامه داد: در همین راستا تعدادی از نمایندگان تذکری به دولت داده‌اند که ان‌شاءالله دولت با این تذکر، به موضوع ورود کرده تا دیگر مردم با این نرخ‌های تعیین شده مشکلی برای بنزین زدن نداشته باشند. وی در واکنش به طرح آزمایشی دولت برای تعیین سقف ۵۰ لیتری بنزین با نرخ سوم در ۵ استان، اظهار کرد: تالی فاسد هر گونه تعلل در فراهم کردن امکان دسترسی آسان مردم به بنزین و ساماندهی درست توزیع آن، قاچاق سوخت و بروز مشکلات دیگری است که هم مردم را با دشواری مواجه می‌کند و هم باعث مشکلاتی برای دولت می‌شود. حاجی‌بابایی در پایان درباره اینکه آیا مجلس به تصمیم اخیر دولت درباره بنزین ورود می‌کند، گفت: حتما؛ تعداد زیادی از نمایندگان نامه و تذکری به دولت را امضا کردند و این موضوع را به دولت اعلام کردند؛ بنده هم جز امضاکنندگان نامه هستم.

سناریوهای احتمالی برای تشکیل دولت بعدی در اسراییل

با ادامه شمارش اولیه آرای انتخابات پارلمانی و دست نیافتن هیچ کدام از احزاب به اکثریت قاطع برای تشکیل دولت، چهار سناریوی ائتلاف، کابینه اقلیت، دولت وحدت و برگزاری انتخابات مجدد پیش روی اسراییل قرار دارد. در صورت عدم پیروزی قاطع هر یک از دو اردوگاه، اسراییل برای تشکیل دولت بعدی در روزهای آینده با چهار سناریوی احتمالی روبه‌رو خواهد بود:

■ **تشکیل ائتلاف**

احزاب بلافاصله مذاکرات خود را آغاز خواهند کرد تا به حد نصاب ۶۱ کرسی در کنست (پارلمان) ۱۲۰ نفره دست یابند؛ هدفی که دستیابی به آن پیچیده به نظر می‌رسد. اسحاق هرتزوگ، رییس رژیم صهیونیستی با نمایندگان احزاب مختلف رایزنی خواهد کرد و نامزدی را که بهترین موقعیت را برای تشکیل دولت دارد، مامور این کار خواهد کرد؛ این فرد لزوما از حزبی که بیشترین کرسی‌ها را دارد نخواهد بود بلکه کسی است که بیشترین شانس را برای کسب حمایت پارلمانی لازم داشته باشد. احزاب عرب، به‌ویژه «فهرست متحد عربی» آمادگی خود را برای همکاری با ائتلافی به رهبری گادی آیزنکوت، رقیب نتانیاهو در این انتخابات و رهبر جناح اپوزیسیون ابراز کردند؛ با این حال، آیزنکوت ترجیح داد از آنها فاصله بگیرد چرا که حمایت آنها را در جریان کمپین انتخاباتی یک نقطه ضعف احتمالی می‌دانست. در مورد ائتلاف نتانیاهو نیز هیچ گزینه روشنی برای کسب کرسی‌های بیشتر وجود ندارد؛ به‌ویژه پس از آنکه چندین حزب کوچک راست‌گرا نتوانستند از حد نصاب انتخاباتی لازم برای ورود به کنست عبور کنند. این مذاکرات ممکن است دشوار و طولانی شوند چرا که طرفین بر منافع محدود خود پافشاری می‌کنند؛ وضعیتی که می‌تواند به تشکیل کابینه‌های ناپایدار منجر شود. پس از آخرین انتخابات که در نوامبر ۲۰۲۲ برگزار شد، تشکیل دولت توسط بنیامین نتانیاهو ۵۸ روز به طول انجامید.

■ **دولت اقلیت**

اگر هیچ یک از جناح‌ها موفق به کسب ۶۱ کرسی نشوند، ممکن است یک نامزد تلاش کند بدون داشتن اکثریت، اداره امور را در دست بگیرد و در عوض در هر مورد به‌طور جداگانه به حمایت سایر قانونگذاران متکی باشد. در این سناریو، قانونگذاران متعلق به اقلیت عرب که ۲۰ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند می‌توانند نقشی کلیدی ایفا کنند. فهرست متحد عربی به رهبری منصور عباس، پیش‌تر در جایگاه «تعیین‌کننده سرنوشت دولت» ظاهر شده بود؛ زمانی که به نخستین حزب عربی تبدیل شد که به یک دولت اسراییلی پیوست؛ دولتی که بخشی از یک ائتلاف به رهبری نفتالی بنت و یاییر لاپید بود و برای مدتی کوتاه میان سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ قدرت را در دست داشت. حزب عربی «فهرست مشترک» پیشنهاد داده است تا برای هر ائتلافی که نتانیاهو را از قدرت کنار بزند، نقش یک پشتیبان را ایفا کند. تال الویتس، تحلیلگر سیاسی خاطرنشان کرد که مشارکت بسیار بالای اعراب در انتخابات، نشان‌دهنده تمایلی قوی برای مشارکت و همکاری است. آیزنکوت هیچ‌گونه تمایل علنی برای حتی بررسی چنین احتمالی نشان نداده است؛ در حالی که نتانیاهو در جریان کمپین انتخاباتی خود تلویحا گفت که رأی دادن به جناح مخالف ممکن است به حضور اعراب در دولت منجر شود. الویتس توضیح داد: در نهایت فعلا به نظر می‌رسد که احتمال تشکیل یک دولت اقلیت به رهبری آیزنکوت وجود دارد، هر چند بسته به نتایج نهایی، این وضعیت ممکن است تغییر کند.

■ **دولت «وحدت»**

اگرچه با توجه به دوقطبی شدن شدید در اسراییل، گزینه تشکیل دولت وحدت بسیار بعید به نظر می‌رسد اما از نظر تئوریک این سناریویی است که بیش از هر حالت دیگری می‌تواند به تشکیل دولتی با افراط‌گرایی کمتر منجر شود. تحلیلگران سیاسی اسراییلی بارها احتمال تشکیل یک دولت وحدت را بررسی کرده‌اند؛ دولتی که در آن نتانیاهو متحدان راست‌گرای افراطی و احزاب مذهبی را کنار می‌گذارد تا با آیزنکوت که در طیفی از مسائل امنیتی دیدگاه‌های مشابهی با او دارد ائتلاف کند. چنین ائتلاف گسترده‌ای، احزاب عرب را در بر نخواهد گرفت. نتایج یک نظرسنجی که در ۱۶ اکتبر منتشر شد، نشان می‌دهد که ۵۵ درصد از اسراییلی‌ها تشکیل دولت وحدت را به برگزاری انتخابات جدید ترجیح می‌دهند، مگر آنکه انتخابات تازه منجر به کسب اکثریتی قاطع شود. در سال ۲۰۲۰، بنیامین نتانیاهو و بنی گانتس که یک ژنرال بازنشسته و چهره‌ای میانه‌رو، بسیار شبیه به آیزنکوت است پس از برگزاری سه انتخابات در کمتر از یک سال، به توافقی برای تقسیم قدرت دست یافتند که شامل سازوکار نخست‌وزیری چرخشی بود. با این حال، این شراکت تنها پس از یک سال از هم پاشید و به برگزاری انتخاباتی جدید منجر شد. هر سناریویی از این دست، با مخالفت شدید هر دو طرف مواجه خواهد شد؛ به‌ویژه از سوی بلوک مخالفان که تمام کارزار انتخاباتی خود را بر پایه کنار زدن نتانیاهو بنا کرده‌اند و او را فردی فاقد صلاحیت برای رهبری معرفی کرده بودند.

■ **بن‌بست و انتخابات جدید**

اگر هیچ یک از نامزدها در تشکیل دولت موفق نشوند، رژیم صهیونیستی ناچار خواهد شد دوباره انتخابات برگزار کند. رژیم صهیونیستی بین آوریل ۲۰۱۹ تا مارس ۲۰۲۱ چهار بار انتخابات برگزار کرد زیرا سیاستمداران نتوانستند ائتلافی کارآمد و پایدار تشکیل بدهند.

تورم مهرماه به مرز ۷۷ درصد رسید؛ کاهش جزیی تورم نقطه‌به‌نقطه در کنار تداوم رشد قیمت‌ها

زنگ هشدار برای معیشت

تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت شاخص قیمت مصرف‌کننده در مهرماه ۱۴۰۵، تصویری دووجهی از تحولات تورمی اقتصاد ایران ارائه می‌دهد؛ از یک سو، نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه پس از چند ماه افزایش، اندکی کاهش یافته و از ۸۹.۸ درصد در شهریور به ۸۸.۷ درصد رسیده است. از سوی دیگر، تورم ماهانه همچنان در سطح بالای ۴.۴ درصد قرار دارد و تورم سالانه نیز با ثبت رقم ۷۶.۸ درصد، از تداوم فشار سنگین افزایش قیمت‌ها بر خانوارها حکایت می‌کند. این ارقام نشان می‌دهند که هر چند کاهش محدود یکی از شاخص‌های تورمی می‌تواند نشانه‌ای امیدوارکننده باشد، هنوز نمی‌توان از تغییر معنادار مسیر تورم یا بازگشت ثبات به اقتصاد سخن گفت. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، شاخص قیمت مصرف‌کننده در مهرماه به ۷۶۱.۸ رسید. به این ترتیب، هزینه تهیه سبد مشخصی از کالاها و خدمات که در مهر سال گذشته ۱۰۰ واحد بوده، اکنون به‌طور متوسط به ۱۸۸.۷ واحد رسیده است. معنای این تغییر برای خانوارها روشن است: درآمدی که سال گذشته برای تأمین مجموعه‌ای از نیازهای روزمره کفایت می‌کرد، امروز قدرت خرید بسیار کمتری دارد؛ مگر آنکه درآمد خانوار نیز متناسب با افزایش قیمت‌ها رشد کرده باشد.

مساله اصلی در ارزیابی این وضعیت، صرفا بالا بودن نرخ تورم نیست؛ بلکه تداوم تورم در سطحی است که برنامه‌ریزی اقتصادی خانوارها، تصمیم‌گیری بنگاه‌ها و امکان پیش‌بینی هزینه‌های آینده را دشوار می‌کند. اقتصاد ایران سال‌هاست با تورم مزمن مواجه است و تحولات سیاسی، محدودیت‌های خارجی و شوک‌های اقتصادی در دوره‌های مختلف، به این مساله ابعاد تازه‌ای بخشیده‌اند. اکنون نیز جنگ و پیامدهای اقتصادی آن، در کنار مشکلات ساختاری پیشین، ضرورت بازنگری در راهبردهای مهار تورم را پررنگ‌تر کرده است.

کاهش تورم نقطه به نقطه نشانه‌ای مثبت اما ناکافی

تورم نقطه‌به‌نقطه مهرماه نسبت به شهریور یک واحد درصد و یک‌دهم واحد درصد کاهش یافته است. این تغییر، در نگاه نخست می‌تواند نشانه‌ای از کاهش نسبی فشار افزایش قیمت‌ها در مقایسه با ماه مشابه سال قبل باشد. با این حال، برای تفسیر درست این شاخص باید تفاوت میان کاهش نرخ تورم و کاهش قیمت‌ها را در نظر گرفت. کاهش تورم نقطه‌به‌نقطه به معنای ارزان شدن کالاها و خدمات نیست؛ بلکه نشان می‌دهد میزان افزایش متوسط قیمت‌ها نسبت به ماه مشابه سال قبل اندکی کمتر شده است. در مهرماه، قیمت‌ها همچنان نسبت به شهریور افزایش یافته‌اند و تورم ماهانه ۴.۴ درصدی نیز همین موضوع را تأیید می‌کند. بنابراین، خانوارها در عمل با سطح قیمتی بالاتری نسبت به ماه قبل مواجه شده‌اند، حتی اگر نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه کمی کاهش یافته باشد. از سوی دیگر، تورم سالانه از ۷۳.۶ درصد در شهریور به ۷۶.۸ درصد در مهر رسیده است. این افزایش نشان می‌دهد که فشار تورمی در مقیاس میانگین دوازده‌ماهه همچنان تشدید شده است. در نتیجه، نمی‌توان تنها با تکیه بر کاهش محدود تورم نقطه‌به‌نقطه، نتیجه گرفت که اقتصاد وارد دوره کاهش پایدار تورم شده است. با این همه، اهمیت کاهش این شاخص را نیز نباید نادیده گرفت. در اقتصادی که برای مدت طولانی با افزایش قیمت‌ها روبه‌رو بوده، هر نشانه‌ای از کاهش شتاب تورم می‌تواند برای سیاست‌گذار ارزشمند باشد؛ به شرط آنکه این تغییر در ماه‌های بعد نیز تداوم پیدا کند و با کاهش فشارهای ماهانه همراه شود. هدف سیاست‌گذاری نباید صرفا ثبت کاهش در یک شاخص باشد، بلکه باید به ایجاد روندی پایدار برای کاهش رشد قیمت‌ها منجر شود.

تورم مزمن مساله‌ای فراتر از یک شوک مقطعی

اقتصاد ایران پیش از تحولات و درگیری‌های نظامی اخیر نیز با مشکل تورم مزمن مواجه بود. رشد مداوم سطح عمومی قیمت‌ها در سال‌های گذشته، کاهش قدرت خرید پول ملی و دشوارتر شدن برنامه‌ریزی برای خانوارها و بنگاه‌ها، نشان می‌دهد که تورم را نمی‌توان تنها به یک رویداد یا تصمیم اقتصادی مشخص نسبت داد. تورم مزمن معمولا حاصل برهم‌کنش چند عامل است؛ از ناترازی‌های مالی دولت و رشد نقدینگی گرفته تا محدودیت‌های عرضه، نوسانات نرخ ارز، انتظارات تورمی و مشکلات ساختاری تولید. شدت اثرگذاری هر عامل ممکن است در دوره‌های مختلف تغییر کند، اما هنگامی که این عوامل به‌صورت هم‌زمان فعال باشند، مهار تورم دشوارتر می‌شود. در چنین شرایطی، شوک‌های تازه می‌توانند بر بستری از پیش آسیب‌پذیر اثر بگذارند و آثار یکدیگر را تشدید کنند. برای نمونه، افزایش ناطمینانی سیاسی ممکن است تقاضا برای دارایی‌هایی مانند ارز و طلا را بالا ببرد؛ تغییرات نرخ ارز نیز می‌تواند هزینه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را افزایش بدهد. در ادامه، این افزایش هزینه‌ها به قیمت تمام‌شده محصولات و خدمات منتقل می‌شود و فشار تورمی را گسترش می‌دهد. به همین دلیل، ارزیابی وضعیت کنونی اقتصاد ایران باید دو سطح را از یکدیگر تفکیک کند: نخست، فشارهای تازه‌ای که جنگ و ناطمینانی‌های ناشی از آن بر اقتصاد وارد کرده‌اند؛ دوم، مشکلات ساختاری که پیش از این نیز وجود داشته‌اند و ممکن است توان اقتصاد برای جذب شوک‌های جدید را کاهش داده باشند. تفکیک این دو سطح، به‌معنای کم‌اهمیت دانستن هیچ یک نیست؛ بلکه برای طراحی سیاستی موثر ضرورت دارد.

جنگ و افزایش هزینه‌های اقتصادی

جنگ علاوه بر خسارت‌های مستقیم، از مسیرهای مختلف بر فعالیت اقتصادی اثر می‌گذارد. افزایش ناطمینانی، اختلال احتمالی در مسیرهای تجاری، دشوارتر شدن تأمین برخی نهاده‌ها، تغییر هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه و محدودیت در دسترسی به منابع ارزی، از جمله عواملی هستند که می‌توانند هزینه تولید و توزیع کالاها را افزایش بدهند. در اقتصادی که با محدودیت‌های خارجی و مشکلات ساختاری نیز مواجه است، این فشارها می‌توانند شدیدتر باشند. کاهش قابلیت پیش‌بینی شرایط آینده، تصمیم‌گیری بنگاه‌ها برای سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت را دشوار می‌کند. برخی تولیدکنندگان ممکن است برای مواجهه با افزایش احتمالی هزینه‌ها، موجودی مواد اولیه خود را افزایش بدهند یا قیمت محصولات را بر اساس ریسک‌های پیش‌رو تنظیم کنند. در چنین فضایی، انتظارات تورمی نیز می‌تواند به یکی از عوامل موثر بر رفتار بازار تبدیل شود. از سوی دیگر، جنگ می‌تواند بر منابع و مصارف دولت اثر بگذارد. افزایش نیازهای مالی، ضرورت بازسازی زیرساخت‌ها و حمایت از خانوارها و کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، در کنار احتمال محدودشدن برخی منابع درآمدی، فشار بیشتری بر بودجه عمومی وارد می‌کند. چگونگی تأمین این هزینه‌ها اهمیت اساسی دارد؛ زیرا اگر کسری بودجه از مسیرهایی تأمین شود که به افزایش پایه پولی یا رشد نقدینگی منجر شوند، بخشی از فشارهای ناشی از جنگ ممکن است به تورم ماندگار تبدیل شود.

البته همه افزایش قیمت‌ها را نمی‌توان مستقیما به جنگ نسبت داد. تورم کنونی در بستری از عوامل داخلی و خارجی شکل گرفته است و برای تعیین سهم دقیق هر عامل، به داده‌های تفصیلی و تحلیل‌های اقتصادی نیاز است. با این حال، در شرایطی که اقتصاد از پیش با تورم بالا مواجه بوده، جنگ می‌تواند روند اصلاح را دشوارتر کند و هزینه تأخیر در تصمیم‌گیری‌های ساختاری را افزایش بدهد.

نقدینگی و کسری بودجه ضرورت توجه به ریشه‌های پولی تورم

یکی از محورهای مهم در هر راهبرد ضدتورمی، مدیریت رابطه میان بودجه دولت، شبکه بانکی و رشد نقدینگی است. هنگامی که مخارج دولت به‌طور پایدار از درآمدهای قابل اتکای آن بیشتر باشد، کسری بودجه شکل می‌گیرد. نحوه تأمین این کسری تعیین می‌کند که فشار مالی دولت تا چه اندازه می‌تواند به نظام پولی و سطح عمومی قیمت‌ها منتقل شود. استقراض مستقیم یا غیرمستقیم از منابع بانکی، انباشت بدهی به شبکه بانکی و پیمانکاران و استفاده از سازوکارهایی که در نهایت به افزایش خلق پول منجر می‌شوند، می‌توانند در صورت تداوم، فشار تورمی ایجاد کنند. البته هر نوع تأمین مالی دولت الزاما آثار یکسانی ندارد و اثر نهایی به شرایط اقتصاد، نحوه تأمین منابع و واکنش بخش خصوصی بستگی دارد. با این حال، استمرار کسری‌های بودجه‌ای و نبود منابع پایدار برای پوشش هزینه‌ها، مدیریت تورم را دشوارتر می‌کند. رشد نقدینگی نیز زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که با افزایش متناسب تولید کالاها و خدمات همراه نباشد. اگر حجم پول و قدرت خرید اسمی با سرعتی بالا افزایش یابد، اما ظرفیت عرضه اقتصاد نتواند هم‌گام با آن گسترش پیدا کند، فشار تقاضا می‌تواند به افزایش قیمت‌ها منجر شود. در چنین شرایطی، کنترل تورم تنها با اقدامات کوتاه‌مدت در بازار ارز یا نظارت بر قیمت‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. از این منظر، انضباط مالی دولت و اصلاح شیوه تأمین کسری بودجه باید در مرکز برنامه مهار تورم قرار بگیرند. شفافیت در اعلام کسری‌های احتمالی، واقع‌بینانه بودن برآورد درآمدها، اولویت‌بندی هزینه‌ها و پرهیز از ایجاد تعهدات مالی بدون پشتوانه، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به کاهش فشار بر منابع پولی کمک کنند. در عین حال، کنترل نقدینگی نباید به شکلی اجرا شود که تأمین مالی فعالیت‌های مولد را با اختلال جدی مواجه کند. هدف، محدود کردن رشد بی‌پشتوانه پول و اعتبار و هدایت منابع به سمت فعالیت‌هایی است که ظرفیت تولید را افزایش می‌دهند. اگر سیاست‌های انقباضی بدون توجه به وضعیت بنگاه‌ها و شرایط تولید اعمال شوند، ممکن است هزینه تأمین مالی را افزایش بدهند و از مسیر کاهش تولید، فشارهای تازه‌ای بر قیمت‌ها ایجاد کنند. بنابراین، مهار تورم به هماهنگی سیاست‌های مالی و پولی نیاز دارد، نه صرفا محدود کردن یک متغیر به‌صورت منفرد.

فشار معیشتی تورم یکسان، تجربه‌های متفاوت

آمارهای مهرماه نشان می‌دهند که تورم در گروه‌های مختلف کالاها و خدمات یکسان نیست. تورم ماهانه گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات به ۵.۸ درصد رسیده، در حالی که این نرخ برای خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات ۲.۴ درصد بوده است. در میان گروه‌های اصلی نیز آموزش با ۲۳.۵ درصد، حمل‌ونقل با ۱۰.۷ درصد و تفریح و فرهنگ با ۹.۸ درصد بیشترین افزایش ماهانه را ثبت کرده‌اند.

در مقایسه با مهر سال گذشته، تورم نقطه‌به‌نقطه دخانیات به ۱۶۳.۲ درصد، مبلمان و لوازم خانگی به ۱۲۸.۹ درصد و حمل‌ونقل به ۱۲۸ درصد رسیده است. این ارقام نشان می‌دهند که افزایش قیمت‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد با شدت‌های متفاوتی رخ داده است.

این تفاوت‌ها از منظر معیشت اهمیت دارند؛ زیرا همه خانوارها سبد مصرفی یکسانی ندارند. سهم مسکن، خوراک، حمل‌ونقل، آموزش و خدمات درمانی در هزینه‌های خانوارها متفاوت است و به همین دلیل، نرخ تورم اعلام‌شده برای کل کشور لزوما تجربه واقعی همه گروه‌های درآمدی را به یک اندازه بازتاب نمی‌دهد. گزارش مهرماه همچنین از فاصله قابل توجه میان تورم مناطق شهری و روستایی حکایت دارد. تورم نقطه‌به‌نقطه خانوارهای شهری ۸۵.۵ درصد و در مناطق روستایی ۱۰۷ درصد ثبت شده است. تورم سالانه نیز در شهرها ۷۴.۱ درصد و در روستاها ۹۲.۳ درصد بوده است. این تفاوت‌ها ضرورت توجه به توزیع فشار تورمی را نشان می‌دهند. خانوارهایی که بخش بزرگی از درآمد خود را صرف نیازهای ضروری می‌کنند، معمولا امکان کمتری برای تعدیل الگوی مصرف دارند. در چنین شرایطی، افزایش قیمت‌ها می‌تواند آنها را ناچار به کاهش مصرف برخی کالاها و خدمات، به تعویق انداختن هزینه‌های ضروری یا استفاده از پس‌اندازهای محدودشان کند. از این رو، سیاست ضدتورمی باید در کنار هدف‌گذاری برای کاهش رشد قیمت‌ها، به پیامدهای اجتماعی و معیشتی تورم نیز توجه کند. حمایت‌های هدفمند از خانوارهای آسیب‌پذیر می‌توانند بخشی از فشار دوره گذار را کاهش بدهند؛ اما اگر این حمایت‌ها بدون پشتوانه مالی پایدار طراحی شوند، ممکن است خود به تشدید ناترازی بودجه و در نهایت افزایش فشار تورمی منجر شوند. طراحی درست حمایت‌ها به معنای ایجاد تعادل میان ضرورت حفظ قدرت خرید گروه‌های آسیب‌پذیر و جلوگیری از افزایش تقاضای پولی بدون پشتوانه است.

راهبرد مهار تورم از اقدامات پراکنده تا برنامه‌ای هماهنگ

تجربه تورم مزمن در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که مهار پایدار افزایش قیمت‌ها به مجموعه‌ای از تصمیم‌های هماهنگ نیاز دارد. هیچ ابزار منفردی، چه مداخله در بازار ارز و چه کنترل اداری قیمت‌ها، نمی‌تواند به‌تنهایی همه عوامل تورم را از میان ببرد. سیاست‌گذار باید به‌جای تمرکز بر نشانه‌های مقطعی، برنامه‌ای روشن برای مدیریت عوامل پولی، مالی، ارزی و تولیدی تدوین کند. نخستین محور چنین برنامه‌ای، ایجاد انضباط مالی و کاهش وابستگی بودجه به منابع ناپایدار است. تا زمانی که کسری بودجه به شکل تکرارشونده ایجاد شود و تأمین آن به شبکه بانکی یا منابع پولی فشار وارد کند، دستیابی به کاهش پایدار تورم دشوار خواهد بود. شفافیت در وضعیت مالی دولت و اعلام مسیر تأمین هزینه‌ها می‌تواند به کاهش ناطمینانی و افزایش قابلیت پیش‌بینی کمک کند.

محور دوم، هماهنگی سیاست‌های پولی و اعتباری با هدف مهار رشد بی‌رویه نقدینگی است. این سیاست باید در کنار نظارت موثر بر ترازنامه بانک‌ها و مدیریت ناترازی‌های بانکی دنبال شود. در عین حال، لازم است میان اعتبار مورد نیاز فعالیت‌های مولد و خلق اعتبارهایی که به افزایش تقاضای غیرمولد منجر می‌شوند، تمایز گذاشته شود. محور سوم، افزایش ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در بازار ارز است. نوسانات شدید نرخ ارز می‌توانند به سرعت بر هزینه واردات و قیمت تمام‌شده بسیاری از کالاها اثر بگذارند. ایجاد سازوکارهای شفاف، کاهش انگیزه‌های آربیتراژی و پرهیز از تصمیم‌های ناگهانی و متناقض، می‌تواند از شدت انتقال شوک‌های ارزی به قیمت‌ها بکاهد. با این حال، ثبات پایدار بازار ارز نیز بدون کنترل تورم و اصلاح ناترازی‌های اقتصادی دست‌یافتنی نیست. محور چهارم، تقویت ظرفیت تولید و کاهش موانع عرضه است. سیاست‌های ضدتورمی اگر صرفا بر محدود کردن تقاضا متمرکز باشند و هم‌زمان مشکلات تولید، دسترسی به مواد اولیه، سرمایه در گردش و زیرساخت‌ها را نادیده بگیرند، ممکن است به کاهش فعالیت اقتصادی منجر شوند. در مقابل، بهبود محیط کسب‌وکار، کاهش ناطمینانی مقرراتی و تسهیل تأمین نهاده‌های ضروری می‌تواند به افزایش عرضه و کاهش فشار هزینه‌ای کمک کند. در نهایت، سیاست‌گذار باید میان اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت تفکیک قائل شود. در کوتاه‌مدت، جلوگیری از جهش‌های شدید قیمت، تأمین کالاهای ضروری و حمایت هدفمند از خانوارهای آسیب‌پذیر اهمیت دارد. در بلندمدت، اما موفقیت به اصلاح ساختار بودجه، انضباط پولی، ثبات سیاستگذاری و افزایش بهره‌وری اقتصاد وابسته است. ارزیابی عملکرد این برنامه نیز باید بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌ها انجام شود؛ از جمله روند تورم ماهانه، تغییرات تورم نقطه‌به‌نقطه، رشد نقدینگی، وضعیت کسری بودجه و قدرت خرید خانوارها.

فرصت اصلاح را نباید از دست داد

آمار مهرماه را می‌توان هشداری درباره دشواری‌های پیش روی اقتصاد ایران دانست، اما این ارقام لزوماً به معنای بسته بودن مسیر اصلاح نیستند. کاهش محدود تورم نقطه‌به‌نقطه نشان می‌دهد که مسیر شاخص‌ها همواره یک‌طرفه نیست؛ با این حال، برای تبدیل چنین تغییری به روندی پایدار، باید عوامل زمینه‌ساز تورم به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند. جنگ و ناطمینانی‌های ناشی از آن، محدودیت‌های خارجی، کسری بودجه، رشد نقدینگی و مشکلات ساختاری تولید، هر یک از مسیرهای متفاوتی بر اقتصاد اثر می‌گذارند. پاسخ موثر نیز نمی‌تواند به یک اقدام کوتاه‌مدت یا یک ابزار سیاستی محدود شود. اقتصاد ایران به راهبردی نیاز دارد که ضمن مدیریت فشارهای فوری، مسیر کاهش پایدار تورم را روشن کند و هزینه اصلاحات را تا حد امکان از دوش خانوارهای آسیب‌پذیر بردارد.

مهم‌ترین معیار موفقیت در این مسیر، نه صرفا کاهش چند واحد درصدی یک شاخص در یک ماه، بلکه تغییر تدریجی روند افزایش قیمت‌ها و بازگشت امکان برنامه‌ریزی به زندگی خانوارها و فعالیت بنگاه‌هاست. تا زمانی که تورم بالا باقی بماند، حتی کاهش نسبی شتاب افزایش قیمت‌ها نیز برای جبران افت قدرت خرید گذشته کافی نخواهد بود. گزارش مهرماه مرکز آمار ایران بار دیگر نشان می‌دهد که مساله تورم همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور است. مواجهه با این چالش، بیش از هر چیز به پذیرش ماهیت چندعاملی آن، هماهنگی سیاست‌های اقتصادی و استمرار تصمیم‌های قابل پیش‌بینی نیاز دارد. مهار تورم نه با انکار دشواری‌ها ممکن می‌شود و نه با اتکای صرف به اقدامات مقطعی؛ بلکه مستلزم برنامه‌ای روشن، قابل ارزیابی و پایدار است که در آن، ثبات اقتصادی و حفاظت از قدرت خرید مردم به اهداف اصلی سیاستگذاری تبدیل شوند.

پزشکیان در جلسه هیات دولت:

پیگیر تحقق دستور رهبر انقلاب برای عبور از شرایط «نه جنگ، نه صلح» هستیم

رییس جمهوری با اشاره به دستور اخیر رهبر معظم انقلاب خطاب به دبیر شورای عالی امنیت ملی برای پیگیری شروط مطرح‌شده با هدف عبور از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» این دستور را حاوی پیامی مهم برای ترسیم افق آینده کشور دانست و تأکید کرد: دولت با تمام ظرفیت، تحقق تدابیر رهبری را دنبال خواهد کرد. مسعود پزشکیان در جلسه هیات دولت با اشاره به دستور اخیر رهبر معظم انقلاب خطاب به دبیر شورای عالی امنیت ملی مبنی بر پیگیری تحقق شروط مطرح‌شده از سوی مسوولان کشور با هدف خروج از وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، این دستور را حاوی پیامی بزرگ و مهم و ناظر بر ترسیم افق پیش‌روی کشور دانست و تأکید کرد که مجموعه دولت با تمام ظرفیت در مسیر تحقق اهداف و تدابیر تعیین‌شده تلاش خواهد کرد. پزشکیان همچنین با تأکید بر ضرورت آمادگی مستمر دستگاه‌های اجرایی برای مواجهه با شرایط متغیر کشور اظهار کرد: تمامی وزیران، روسا و معاونان دستگاه‌های اجرایی موظفند ضمن حفظ آمادگی کامل، متناسب با اقتضائات موجود، مدیریت و کاهش هزینه‌ها را در دستور کار قرار بدهند و از ظرفیت‌های موجود برای افزایش بهره‌وری و تقویت توان ملی استفاده کنند. رییس جمهوری ادامه داد: باید با مدیریت صحیح منابع و اصلاح فرآیندها نشان بدهیم ایران از ظرفیت تاب‌آوری بالایی برخوردار است و در برابر هر گونه تهدید، تحریم و فشار خارجی، با قدرت و انسجام ایستادگی خواهد کرد. دشمنان نباید تصور کنند که با افزایش فشارها و تهدیدها می‌توانند اراده ملت ایران را تضعیف کرده و کشور را به تسلیم وادار کنند.

اصلاح ساختارها و حذف هزینه‌های غیرضروری در دستور کار دولت

وی با اشاره به ضرورت بهره‌گیری از شرایط موجود برای اصلاح برخی رویه‌های اجرایی، تصریح کرد: وضعیت کنونی در کنار دشواری‌ها و محدودیت‌ها، می‌تواند فرصتی برای بازنگری در فرآیندهای ناکارآمد، رفع موازی‌کاری‌ها و مدیریت هزینه‌های غیرضروری باشد. اصلاح ساختارهای موازی، ساماندهی سازمان‌های مرتبط، بررسی امکان ادغام واحدهای هم‌پوشان و تعطیلی ساختمان‌ها و مجموعه‌های بی‌بازده یا کم‌بازده، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های جاری و حفظ آمادگی دستگاه‌های اجرایی برای مواجهه با شرایط مختلف کمک کند. پزشکیان افزود: تحقق این اهداف از طریق مدیریت بهینه تجهیزات، منابع مالی و نیروی انسانی امکان‌پذیر است و دستگاه‌های اجرایی باید با بازنگری در شیوه‌های فعالیت خود، زمینه استفاده موثرتر از ظرفیت‌های موجود را فراهم کنند.

دعوت از مردم و نهادهای اجتماعی برای مشارکت در مدیریت مصرف

وی با تأکید بر نقش مشارکت عمومی در عبور از شرایط دشوار، خواستار همراهی مردم، مسوولان، فعالان سیاسی، فرهنگیان، روحانیت و رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه ملی، برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی و ملی شد. پزشکیان مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف را از الزامات اساسی عبور موفق از محدودیت‌ها دانست و تأکید کرد: تقویت تاب‌آوری بدون اصلاح الگوی مصرف و مدیریت تقاضا امکان‌پذیر نیست. با مشارکت عمومی، صرفه‌جویی و استفاده مسوولانه از منابع می‌توان شرایط موجود را به شکل مطلوب‌تری مدیریت کرد و از ظرفیت‌های کشور برای تأمین نیازهای اساسی و حفظ پایداری خدمات بهره گرفت. در بخش دیگری از جلسه هیات دولت رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران، تابلوی تصویری شهیده آوینا برزگر، کودک دوساله‌ای که در حمله امریکا و رژیم صهیونیستی در لامرد به شهادت رسید، را به نمایندگی از مادر این شهیده به رییس جمهوری اهدا کرد. پزشکیان با اشاره به پیگیری موضوع شهادت غیرنظامیان و کودکان ایرانی در مجامع بین‌المللی، اظهار کرد: در سازمان ملل متحد، نشست‌های بین‌المللی، اجلاس‌های مرتبط با بریکس و سازمان همکاری شانگهای، نشست‌های زیست‌محیطی و همچنین دیدارها و گفت‌وگوهای دیپلماتیک، یاد شهدای جنگ اخیر گرامی داشته شده و ابعاد این حوادث مورد توجه قرار گرفته است. وی با محکوم کردن حملات به غیرنظامیان، به‌ویژه کودکان و دانش‌آموزان، در حوادث میناب و لامرد، این اقدامات را مغایر با اصول انسانی و موازین حقوق بشردوستانه توصیف کرد و گفت: هدف قرار گرفتن مدارس، بیمارستان‌ها، ورزشگاه‌ها و منازل مسکونی، در حالی که از مبارزه با تروریسم سخن گفته می‌شود، پرسش‌های جدی درباره تناقض میان ادعاهای مطرح‌شده و عملکرد عاملان این حملات ایجاد می‌کند. وی افزود: در گفت‌وگو با سران کشورهای مختلف، این موضوع مطرح شده و واکنش‌ها و مواضع ابرازشده نشان می‌دهد که چنین اقدامات ضدبشری با محکومیت مواجه شده است. همچنین در دیدار با شماری از مدیران اندیشکده‌های امریکایی، آنها ضمن عذرخواهی از ملت ایران اعلام می‌کردند که به خاطر داشتن چنین رییس جمهوری شرمنده‌اند و از عمق این جنایات مبهوت و متحیر مانده‌اند. وی با تأکید بر ضرورت ثبت و پیگیری ابعاد این حوادث در حافظه تاریخی و عرصه بین‌المللی گفت: یاد این شهدا هرگز از خاطر ملت ایران نخواهد رفت و ابعاد این جنایات در تاریخ باقی خواهد ماند که چگونه کسانی که به خاطر مساله‌ای کوچک دنیا را به هم می‌ریزند، در مقابل دیدگان جهانیان مدارس، بیمارستان‌ها، ورزشگاه‌ها و خانه‌های مردم ما را بمباران کردند و بعد ادعا کردند که ما تروریست‌ها را هدف قرار دادیم! آیا کودکان میناب و لامرد و کودکان غزه تروریست بودند؟ پزشکیان ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده‌های شهدای جنگ اخیر، به‌ویژه خانواده‌های شهدای میناب و لامرد و مادر شهیده آوینا برزگر، برای بازماندگان از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی مسألت کرد و گفت: فقدان فرزند برای خانواده‌ها رنجی عمیق و دشوار است اما آزمون الهی است و امیدواریم خداوند به خانواده‌های داغدار و همه ما توان و صبر عنایت کند تا بتوانیم در برابر این حوادث ایستادگی کرده و در مسیر پاسداشت خون شهدا مسوولانه عمل کنیم و شرمنده آنها نشویم.

کالابرگ در مسیر هدفمندسازی

مشمولان بازنگری می‌شوند؟

با تأکید رییس سازمان برنامه و بودجه بر ضرورت اختصاص یارانه به افراد نیازمند، احتمال تغییر در شیوه تخصیص کالابرگ مطرح است؛ تغییری که در صورت تصمیم‌گیری دولت می‌تواند بر وضعیت دریافت‌کنندگان در دهک‌های پردرآمد اثر بگذارد. اظهارات اخیر رییس سازمان برنامه و بودجه درباره ضرورت هدایت منابع حمایتی به سمت اقشار نیازمند، بار دیگر موضوع دامنه مشمولان کالابرگ را مطرح کرده است؛ طرحی که در جریان اجرای آن، اعتبار یک میلیون تومانی برای تمامی خانوارها بدون در نظر گرفتن دهک درآمدی در نظر گرفته شد اما اکنون با افزایش ضرورت حمایت از برخی گروه‌های کم‌درآمد، بحث هدفمندتر شدن توزیع منابع آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا حمید پورمحمدی، رییس سازمان برنامه و بودجه در اظهارات اخیر خود با اشاره به محدودیت منابع کشور تأکید کرده که در شرایط کنونی، افرادی که از درآمد کافی برخوردارند نباید انتظار دریافت یارانه داشته باشند. به گفته او، هدف این است که منابع محدود دولت به افرادی برسد که واقعا به حمایت نیاز دارند. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که پیش‌تر از شناسایی حدود ۴۴ میلیون نفر از افراد نیازمند حمایت و ارسال پیامک برای تکمیل اطلاعات و پرسشنامه‌های مربوط به آنها خبر داده شده بود که بر اساس توضیحات پورمحمدی، اطلاعات این افراد بررسی و راستی‌آزمایی می‌شود و افرادی که واجد شرایط شناخته شوند، در ماه‌های آینده مشمول حمایت خواهند شد. یکی از محورهای قابل توجه در اظهارات اخیر رییس سازمان برنامه و بودجه، تأکید بر تفاوت میان افرادی است که به حمایت معیشتی نیاز دارند و کسانی که از درآمد کافی برای تأمین هزینه‌های زندگی برخوردارند. پورمحمدی با اشاره به اینکه ممکن است برخی خانوارها با مشکلات جدی مانند بیماری اعضای خانواده، دشواری تأمین هزینه تحصیل فرزندان، نداشتن سرپناه مناسب یا بیکاری مواجه باشند، بر ضرورت شناسایی دقیق‌تر این گروه‌ها تأکید کرده است. این رویکرد می‌تواند نشانه‌ای از حرکت سیاست حمایتی دولت به سمت تخصیص هدفمندتر منابع باشد؛ به این معنا که به‌جای توزیع یکسان اعتبار میان همه گروه‌ها، وضعیت اقتصادی خانوارها و میزان نیاز آنها نقش پررنگ‌تری در تعیین مشمولان و سطح حمایت داشته باشد. با این حال، اظهارات مطرح‌شده به‌تنهایی به معنای تصویب حذف کالابرگ برای دهک‌های پردرآمد نیست و تاکنون، بر اساس اطلاعات مطرح شده در این زمینه، نمی‌توان درباره تعداد افراد احتمالی خارج شده از فهرست مشمولان یا زمان اجرای چنین تغییری اظهارنظر قطعی کرد. در کنار بحث تغییر احتمالی دامنه مشمولان، موضوع افزایش اعتبار کالابرگ برای گروه‌هایی از خانوارهای کم‌درآمد نیز مطرح است. بر اساس سازوکار اعلام‌شده برای این حمایت، اعتبار یک میلیون تومانی مبنای پرداخت عمومی قرار گرفته و برای برخی گروه‌های نیازمند، اعتبار یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی در نظر گرفته شده است. در این چارچوب، تأیید اطلاعات و احراز شرایط خانوارهایی که در فرآیند شناسایی قرار گرفته‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین؛ در پرداخت‌های پیش‌رو باید میان دو موضوع تفاوت قائل شد؛ نخست، ادامه پرداخت اعتبار یک میلیون تومانی به افرادی که مطابق ضوابط فعلی مشمول هستند و دوم، پرداخت اعتبار افزایش‌یافته به خانوارهای نیازمندی که پس از بررسی اطلاعات، استحقاق آنها تأیید می‌شود. تأکید بر محدودیت منابع و ضرورت حمایت بیشتر از اقشار کم‌درآمد، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا دولت در ادامه اجرای طرح، دامنه دریافت‌کنندگان کالابرگ را نیز تغییر خواهد داد؟ اگر سیاست هدفمندسازی حمایت‌ها به بازنگری در فهرست مشمولان منجر شود، ممکن است وضعیت دریافت اعتبار برای بخشی از خانوارهای پردرآمد تغییر کند؛ اما تحقق این احتمال به تصمیم رسمی دولت، ضوابط تعیین‌شده و نحوه ارزیابی وضعیت اقتصادی خانوارها بستگی دارد. از سوی دیگر، شناسایی افراد نیازمند و افزایش اعتبار حمایتی آنها، بدون تعیین معیارهای روشن و اطلاع‌رسانی دقیق درباره نحوه ارزیابی درآمد و دارایی خانوارها، می‌تواند پرسش‌هایی درباره چگونگی ورود به فهرست مشمولان یا خروج از آن ایجاد کند. مسیر پیش روی کالابرگ را باید در دو محور دنبال کرد؛ از یک سو تکمیل فرآیند شناسایی و راستی‌آزمایی افراد نیازمند و افزایش حمایت از گروه‌های واجد شرایط و از سوی دیگر، احتمال بازنگری در دامنه دریافت‌کنندگان اعتبار عمومی. آنچه فعلا از اظهارات رییس سازمان برنامه و بودجه به دست می‌آید، تأکید بر تخصیص منابع به افراد نیازمند است. اما اینکه این رویکرد در نهایت به تغییر دهک‌های مشمول یا محدودشدن پرداخت به برخی گروه‌های درآمدی منجر شود، موضوعی است که به تصمیم‌های رسمی بعدی دولت بستگی دارد.

طلا فرصت افزایش بیشتر قیمت نیافت

قیمت طلا در بازار جهانی، پس از افزایش حدود یک درصدی در معاملات روز گذشته، تحت تاثیر تقویت نگرانی‌های تورمی ناشی از افزایش قیمت نفت، روز چهارشنبه اندکی کاهش یافت. قیمت هر اونس طلا برای تحویل فوری، با ۰.۷ درصد کاهش، به ۴۰۳۰ دلار و ۲۰ سنت رسید. قیمت هر اونس طلا در بازار معاملات آتی امریکا برای تحویل در دسامبر با ۰.۸ درصد کاهش، به ۴۰۴۳ دلار رسید. قیمت نفت در معاملات روز چهارشنبه بیش از یک درصد افزایش یافت. سونی کوماری، تحلیلگر بانک «ای‌ان‌زد» گفت: «قیمت طلا تحت تاثیر انتظارات مربوط به نرخ بهره و ریسک‌های تورمی ناشی از افزایش قیمت انرژی قرار دارد.» او افزود: «در نتیجه، فدرال رزرو محتاطانه عمل خواهد کرد و این موضوع همچنان در کوتاه‌مدت مانعی مهم برای رشد قیمت طلا خواهد بود.» قیمت‌های بالاتر انرژی، نگرانی‌های تورمی را تشدید و انتظارات برای افزایش نرخ بهره توسط بانک‌های مرکزی را تقویت می‌کند. نرخ‌های بهره بالاتر معمولا بر قیمت طلا فشار نزولی می‌آورند، زیرا هزینه فرصت نگهداری طلای بدون بازده را افزایش می‌دهند. بازارها در انتظار تصمیم فدرال رزرو درباره سیاست پولی هستند که قرار است در روز جاری اعلام شود. همچنین، آمار شاخص هزینه‌های مصرف شخصی که روز پنجشنبه منتشر می‌شود، مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار دارد. این شاخص، معیار ترجیحی بانک مرکزی امریکا برای ارزیابی تورم در مسیر دستیابی به هدف دو درصدی است. طبق ابزار دیده‌بان فدرال شرکت CME، معامله‌گران انتظار دارند فدرال رزرو در نشست روز جاری، نرخ بهره را بدون تغییر نگه دارد، اما احتمال افزایش نرخ بهره در دسامبر را ۸۴ درصد پیش‌بینی می‌کنند.